

شهید علیرضا ندیمی زاده



ازتبار علی
سازمان جامع سرواران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	بهروز
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۵/۰۱
محل شهادت	کردستان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	خارگ

زندگینامه

زندگینامه شهید

علیرضا در اول فروردین ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی در شهر گناوه چشم به جهان گشود. پدرش بهروز در جزیره خارگ کارمند شهرداری بود و در کنار آن مغازه ای مختصر داشت. که در آن کار می نمود و معاش خانواده را تأمین می کرد. مادر گرامی و با ایمان وی «عزت شاه مهدی» نام داشت.

علیرضا به اتفاق خانواده به خارگ مهاجرت نمود و در آنجا سکنی گزید. تحصیلات ابتدایی را در دبستان کورش (شهید □، فعلی) دوران راهنمایی را در مدرسه شهید مطهری به پایان رساند و سپس تا دوم دبیرستان ادامه تحصیل داد. علیرضا در اولین روزهای شکل گیری بسیج در خارگ به عضویت آن درآمد. و با اشتیاق و شور زاید الوصفی تمامی مأموریت های محوله را انجام می داد. وی شب ها در ساحل و در شهر به نگهبانی (گشت زنی) مشغول بود. عبدالرضا دارای روحیه سلحشوری و عاشق انقلاب بود در زمان جنگ در پدافند هوایی به سایر برادران خود کمک می نمود و در جمع آوری کمک های مردمی برای اعزام به جبهه نقش مهمی داشت. ایشان علاقه زیادی به انجام امور مذهبی و دینی داشت به این خاطر ارتباط تنگاتنگی با مسجد و روحانیت گرانقدر داشت به ویژه در ایام محرم و صفر در تشکیل مراسم عزاداری تلاش زیادی می نمود.

علیرضا در تاریخ ۵/۱/۶۲ از طریق بسیج به جبهه های نبرد حق علیه باطل شتافت و از خود رشادت ها و شجاعت های بسیاری نشان داد. سرانجام در عملیات والفجر ۲ مورخ ۱/۵/۱۳۶۲ در منطقه کردستان بر اثر اصابت ترکش به ناحیه سرش به درجه رفیع شهادت نایل آمد و به آرزوی دیرینش رسید. و پیکر مطهرش در کنار سایر هم رزمان شهیدش در مورخ ۴/۶/۶۲ در گلزار شهدای امامزاده میر محمد خارگ به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

انتهای جاده ایثار (وصیت نامه شهید)

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»

«کسانیکه در راه خدا کشته می شوند را مرده مپندارید بلکه آنها زنده اند و در نزد خدا روزی می گیرند» (قرآن کریم)

«شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه آگاهی و همه منطق و شعور و بینایی خود آن را انتخاب می کند پدر جان و مادر جان سلام، برادرها و خواهرهایم سلام، اکنون که این وصیت نامه را می نویسم به یاد شهادتی می افتم که شهادت در راه خدا نصیبشان شد ولی جنازه هایشان بدست پدر و مادرشان نرسید. (قرآن کریم)

خداوند! تو را به محمد و آلش قسم می دهم که شهادت در راه خدا، اسلام، قرآن و خاک میهنم را نصیبم کن و مرا در صف شهدا قرار بده در ضمن صحبتی با برادران و همسایگان حزب الهی شهرم دارم که برادران و خواهران، نماز جماعت را همیشه بر پا کنید که این نمازهای شما آمریکا را به ستوه آورده است. دعای کمیل و توسل و ندبه را در مساجد بر پا دارید.

«راستی یادتان نرود، امام را همیشه بعد از نماز دعا کنید و از همشهری های خوبم می خواهم که به فکر مال و ثروت نباشند چونکه این دنیا به کسی وفا نکرده و به فکر دنیا بودن بی فایده است باید دست به دست هم بدهیم و به فکر آخرت باشیم. مادر جان این راهی را که من رفتم خودم انتخاب کرده ام و شما باید افتخار کنید که پسری بزرگ گردید و آنرا به اسلام هدیه کرده اید. از برادرانم می خواهم نماز جماعت در هر گجای شهر برگزار می شود شرکت کرده و نماز بخوانند و در نماز امام را دعا کنید. پدر و مادرم را تنها نگذارید. از شما می خواهم اگر شهید شدم برایم گریه نکنید زیرا دشمن از گریه شما شاد می شود.» ۲۲/۱/۱۳۶۲ (علیرضا ندیم زاده)



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران